

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- The police only believed me after an eyewitness ----- my account of the accident.
1) displayed 2) constituted 3) corroborated 4) suspected
- 2- The plan is to our ----- advantage; we will all benefit greatly from it.
1) concurrent 2) mutual 3) devoted 4) involved
- 3- Our organization is committed to pursuing its aims through peaceful ----- . We totally reject violence as a means of political change.
1) means 2) instruments 3) devices 4) gadgets
- 4- All parents receive a booklet which ----- the school's aims and objectives before their children start their first term.
1) clarifies 2) injects 3) conducts 4) notifies
- 5- Increasing the state pension is a ----- aim, but I don't think the country can afford it.
1) redundant 2) diverse 3) flexible 4) laudable
- 6- The primary aim in sumo wrestling is to knock your ----- right out of the ring!
1) protagonist 2) opponent 3) referee 4) beneficiary
- 7- The cost of the damage caused by the oil ----- will be around \$200 million.
1) spill 2) guilt 3) demerit 4) extent
- 8- Most of us ----- when we hear that many children spend more time watching TV than they spend in school. It's a rather scary thought.
1) withdraw 2) retreat 3) recoil 4) regress
- 9- Even though he isn't enrolled right now, Calvin says he will go to college ----- .
1) creatively 2) delicately 3) sentimentally 4) eventually
- 10- You should avoid driving during the snowstorm because the icy roads are ----- .
1) superficial 2) frigid 3) perilous 4) cautious

۱. گزینه « ۳ » سخت

« پلیس فقط پس از اینکه یک شاهد عینی گزارشش من از تصادف را تأیید کرد، [حرف] مرا باور کرد. »

- (۱) display: نمایش دادن، نشان دادن
(۲) constitute: تأسیس کردن، تشکیل دادن، ساختن
(۳) corroborate: تأیید کردن، تصدیق و اثبات کردن
(۴) suspect: شک داشتن، بدگمان شدن

۲. گزینه « ۲ » سخت

« این طرح به نفع متقابل ماست. همه ما از آن بسیار سود خواهیم برد. »

- (۱) concurrent: همزمان، همسو، موافق
(۲) mutual: متقابل، دوجانبه
(۳) devote: وقف کردن، اختصاص دادن
(۴) involve: شامل شدن، شامل بودن، وارد کردن

۳. گزینه « ۱ » متوسط

« سازمان ما متعهد است اهداف خود را از طریق مسالمت‌آمیز دنبال کند. ما خشونت را به عنوان روشی برای تغییر سیاسی کاملاً رد می‌کنیم. »

- (۱) means: روش، طریق، پول و درآمد
(۲) instrument: وسیله، آلت
(۳) device: دستگاه
(۴) gadget: وسیله، گجت، ابزارک

۴. گزینه « ۱ » متوسط

« همه والدین دفترچه‌ای دریافت می‌کنند که اهداف مدرسه را قبل از شروع اولین دوره تحصیلی فرزندانشان شفاف می‌کند. »

- (۱) clarify: توضیح دادن، شفاف کردن
(۲) inject: تزریق کردن
(۳) conduct: انجام دادن، هدایت کردن
(۴) notify: اطلاع دادن، آگاه کردن

۵. گزینه « ۴ » متوسط

« افزایش حقوق بازنشستگی دولتی یک هدف قابل ستایش است، اما من فکر نمی‌کنم کشور از عهده آن برآید. »

- (۱) redundant: زائد
(۲) diverse: متنوع، گوناگون، مختلف
(۳) flexible: انعطاف پذیر
(۴) laudable: سزاوار، شایسته، قابل ستایش

۶. گزینه « ۲ » متوسط

« هدف اصلی در گشتی سومو این است که حریف خود را از رینگ خارج کنید! »

- (۱) protagonist: پروتاگونیست، قهرمان اصلی
(۲) opponent: حریف، مخالف، طرف مقابل
(۳) referee: داور
(۴) beneficiary: ذینفع، ذیحق

۷. گزینه « ۱ » متوسط

« هزینه خسارت ناشی از نشت نفت حدود ۲۰۰ میلیون دلار خواهد بود. »

- (۱) spill: ریزش، نشت، عمل ریختن، عمل افتادن
(۲) guilt: تقصیر، گناه
(۳) demerit: عیب، نقص، اشکال
(۴) extent: وسعت، محدوده

۸. گزینه « ۳ » سخت

« بیشتر ما وقتی می‌شنویم که بسیاری از کودکان برای تلویزیون بیشتر از مدرسه وقت صرف می‌کنند. یکه میخوریم. این یک فکر نسبتاً ترسناک است. »

- (۱) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن، پس گرفتن
(۲) retreat: عقب‌نشینی کردن، عقب رفتن
(۳) recoil: بکه خوردن، خود را پس کشیدن
(۴) regress: بازگشتن، پسرفت کردن

۹. گزینه « ۴ » آسان

« با وجود اینکه در حال حاضر کالوین ثبت نام نکرده است، او می‌گوید که نهایتاً به دانشگاه خواهد رفت. »

- (۱) creative: خلاقانه، نوآورانه
(۲) delicate: حساس، ظریف، خوش طعم
(۳) sentimental: احساساتی، احساسی
(۴) eventually: نهایتاً

۱۰. گزینه « ۳ » متوسط

« در هنگام طوفان برف، باید از رانندگی خودداری کنید زیرا یخبندان جاده‌ها خطرناک است. »

- (۱) superficial: سطحی، ظاهری
(۲) frigid: بسیار سرد
(۳) perilous: خطرناک
(۴) cautious: محتاط، مواظب

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- I ----- the argument because I didn't know enough about the subject.
1) broached 2) dropped 3) confronted 4) depicted
- 2- Because my husband is a ----- supporter of the high school football team, he donates money to their organization every year.
1) successive 2) receptive 3) anomalous 4) zealous
- 3- Since the journey is -----, be sure to bring a first-aid kit.
1) perilous 2) enormous 3) cautious 4) courageous
- 4- The writer's stories appeal to a wide range of people—young and old, ----- and poor, literary and nonliterary.
1) elite 2) affluent 3) financial 4) economical
- 5- His nostalgic ----- of growing up in a small city are comical, though they are perhaps embellished for comic effect.
1) bibliographies 2) entertainments 3) accounts 4) impacts
- 6- On a chilly night, you might like to curl up by the fireside and ----- a cup of hot chocolate while reading one of Thurber's books.
1) fascinate 2) relieve 3) amalgamate 4) imbibe
- 7- Although Mr. Jackson was -----, he attempted to be jovial so that his colleagues at the meeting wouldn't think there was a problem.
1) attentive 2) apprehensive 3) painstaking 4) unpretentious
- 8- Obviously the network is overreacting and engaging in ----- when they say "55 million people are in danger!" for normal thunderstorms.
1) justification 2) expectation 3) exaggeration 4) distinction
- 9- My high school biology teacher loved to ----- from science into personal anecdotes about his college adventures.
1) digress 2) reverse 3) convert 4) evolve
- 10- Landing a plane on an aircraft carrier requires a great deal of -----, as you can crash if you miss the landing zone by even a little bit.
1) variability 2) superiority 3) innovation 4) precision

۱. گزینه « ۲ » متوسط

« من بحث را کنار گذاشتم زیرا در مورد موضوع به اندازه کافی نمی دانستم »

- (۱) broach: مطرح کردن، باز کردن
(۲) drop: انداختن، کنار گذاشتن، افتادن، سقوط کردن، پیاده کردن
(۳) confront: مقابله کردن، رو به رو شدن
(۴) depict: شرح دادن، به تصویر کشیدن

۲. گزینه « ۴ » متوسط

« از آنجا که شوهرم حامی پراشتیاق تیم فوتبال دبیرستان است، هر سال به سازمان آن ها پول اهدا می کند. »

- (۱) successive: پیاپی، متوالی (۲) receptive: پذیرا، شنوا (۳) anomalous: مغایر، غیرعادی (۴) zealous: مشتاق، پراشتیاق، پرشور و حرارت

۳. گزینه « ۱ » متوسط

« از آنجا که [این] سفر، خطرناک است، حتماً یک بسته کمک های اولیه همراه داشته باشید. »

- (۱) perilous: خطرناک (۲) enormous: عظیم، هنگفت (۳) cautious: محتاط، مواظب (۴) courageous: شجاع، شجاعانه

۴. گزینه « ۲ » متوسط

« داستان های نویسنده برای طیف وسیعی از مردم - جوان و پیر، ثروتمند و فقیر، ادبی و غیرادبی مناسب است. »

- (۱) elite: نخبه، قشر خاص (۲) affluent: ثروتمند (۳) financial: مالی (۴) economical: مقتصد، صرفه جو

۵. گزینه « ۳ » سخت

« گزارش ها و شرح حال نوستالژیک او در مورد بزرگ شدن در یک شهر کوچک، بامزه است، هر چند که شاید به خاطر جلوه های

کمیک آراسته شده باشد. (واسه اینکه خنده دار تر بشه، پیاز داغشو زیاد کرده باشه). »

- (۱) bibliography: فهرست کتب (۲) entertainment: سرگرمی (۳) account: حساب، گزارش، شرح، صورت حساب (۴) impact: اثر، ضربه

۶. گزینه « ۴ » سخت

« در یک شب سرد، ممکن است هنگام خواندن یکی از کتاب های توربر، دوست داشته باشید کنار آتش چنبره زده و یک فنجان هات چاکلت بنوشید. »

- (۱) fascinate: جلب توجه کردن، جذب کردن (۲) relieve: تسلی دادن، کاهش دادن، تغییر پست دادن
(۳) amalgamate: آمیختن، ادغام کردن (۴) imbibe: نوشیدن

۷. گزینه « ۲ » سخت

« اگرچه آقای جکسون دلوایس و نگران بود، اما سعی میکرد خوشحال باشد تا همکارانش در جلسه فکر نکنند مشکلی وجود دارد. »

- (۱) attentive: حواس جمع، کمک حال (۲) apprehensive: دلوایس، نگران (۳) painstaking: موشکافانه، کامل (۴) unpretentious: فروتن

۸. گزینه « ۳ » متوسط

« بدیهی است که شبکه وقتی برای یک طوفان همراه با رعد و برق طبیعی، می گوید "۵۵ میلیون نفر در معرض خطر هستند!"

واکنش بیش از حد نشان داده و اغراق می کند. »

- (۱) justification: توجیه (۲) expectation: انتظار، امید، توقع (۳) exaggeration: اغراق، لاف (۴) distinction: تمایز، فرق، برتری

۹. گزینه « ۱ » سخت

« معلم زیست شناسی دبیرستان من دوست داشت که از علم به حکایت های شخصی درباره ماجراهای دانشگاهی خود گریزبزند. »

- (۱) digress: گریز زدن، از موضوع اصلی منحرف شدن (۲) reverse: وارونه کردن، برگرداندن، دنده عقب رفتن
(۳) convert: تبدیل کردن، تغییر رویه دادن (۴) evolve: تکامل یافتن، توسعه دادن

۱۰. گزینه « ۴ » متوسط

« فرود هواپیما روی ناو هواپیمابر به دقت بسیار زیادی نیاز دارد، زیرا اگر حتی اندکی منطقه فرود را از دست بدهید می توانید سقوط کنید. »

- (۱) variability: تنوع، تغییرپذیری (۲) superiority: برتری (۳) innovation: نوآوری، ابداع (۴) precision: دقت، صحت

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- During the ----- between arriving at the airport and boarding the plane, we'll probably do a bit of window shopping.
1) interval 2) intervention 3) imbalance 4) inconsistency
- 2- That ugly vacant lot ----- from the beauty of the neighborhood.
1) depletes 2) derives 3) detracts 4) deviates
- 3- At first, the Savings Mart didn't do well, but after it lowered its prices and increased its advertising, the store began to -----.
1) prosper 2) subside 3) arise 4) strive
- 4- The movement of clouds may seem to be -----, but scientists know that there is a pattern to how they move.
1) compatible 2) specific 3) transient 4) random
- 5- Since my math class was very difficult for me, I consider the B that I got for the course to be a great -----.
1) illusion 2) triumph 3) obligation 4) disapproval
- 6- The hardware store sells ----- stones made of plastic that you can open and hide a house key in. Then you can hide the key by leaving the "stone" somewhere near your door.
1) confidential 2) artificial 3) superficial 4) metaphorical
- 7- Rhoda's budget is so tight that she felt it would be ----- to buy herself even a ten-dollar pair of earrings.
1) plausible 2) tangible 3) sufficient 4) extravagant
- 8- When the climbers reached the peak of the tallest mountain in the world, they felt it was a ----- occasion and filled with pride.
1) momentary 2) moribund 3) meticulous 4) momentous
- 9- The ramification of committing a murder is to serve a prison sentence even if you ---- ----- your actions.
1) implement 2) renew 3) regret 4) exceed
- 10- It is often an attorney's job to construe the meaning of a contract and then share that ----- with a client and, if needed, with a judge or jury.
1) justification 2) interpretation 3) transformation 4) condemnation

۱. گزینه « ۱ » متوسط

« در فاصله زمانی بین رسیدن به فرودگاه و سوار شدن به هواپیما، احتمالاً کمی مغازه‌گردی می‌کنیم. »

(۱) interval: فاصله، وقفه (۲) intervention: مداخله (۳) imbalance: عدم تعادل، نابرابری (۴) inconsistency: ناسازگاری، تناقض

۲. گزینه « ۳ » متوسط

« آن زمین خالی زشت، از زیبایی محله می‌کاهد. »

(۱) deplete: خالی کردن (۲) derive: نتیجه گرفتن، مشتق گرفتن (۳) detract: کاستن، کم جلوه دادن (۴) deviate: منحرف شدن

۳. گزینه « ۱ » متوسط

« در ابتدا Savings Mart عملکرد خوبی نداشت، اما پس از کاهش قیمت و افزایش تبلیغات، فروشگاه شروع به رونق یافتن کرد. »

(۱) prosper: رونق یافتن، کامیاب شدن (۲) subside: فروکش/نشست کردن (۳) arise: برخاستن، رخ دادن، شروع کردن (۴) strive: تلاش کردن

۴. گزینه « ۴ » متوسط

« به نظر می‌رسد حرکت ابرها تصادفی باشد، اما دانشمندان می‌دانند که الگویی در نحوه حرکت آنها وجود دارد. »

(۱) compatible: سازگار (۲) specific: مخصوص، مشخص (۳) transient: گذرا، موقت، زودگذر (۴) random: رندوم و تصادفی

۵. گزینه « ۲ » متوسط

« از آنجا که کلاس ریاضی‌ام برای من بسیار دشوار بود، من نمره B را که برای دوره کسب کردم یک پیروزی بزرگ می‌دانم. »

(۱) illusion: توهم، خیال باطل (۲) triumph: پیروزی (۳) obligation: التزام، تکلیف (۴) disapproval: عدم تایید، مخالفت

۶. گزینه « ۲ » متوسط

« [این] فروشگاه ابزارآلات، سنگ‌های مصنوعی ساخته شده از پلاستیک می‌فروشد که می‌توانید آن را باز کنید و کلید خانه را در آن

مخفی کنید. سپس می‌توانید کلید را با گذاشتن "سنگ" در جایی نزدیک درب خانه خود پنهان کنید. »

(۱) confidential: محرمانه، خصوصی (۲) artificial: ساخته دست بشر، انسانی، مصنوعی

(۳) superficial: سطحی، ظاهری (۴) metaphorical: استعاری

۷. گزینه « ۴ » متوسط

« بودجه رودا آنقدر کم است که احساس می‌کرد خرید یک جفت گوشواره ده‌دلاری برای خود زیاده‌روی و ولخرجانه خواهد بود. »

(۱) plausible: شدنی، محتمل، پذیرفتنی (۲) tangible: ملموس، قابل لمس (۳) sufficient: کافی (۴) extravagant: ولخرجانه، زیاده‌روی، گزاف

۸. گزینه « ۴ » سخت

« وقتی کوهنوردان به قله بلندترین کوه جهان رسیدند، احساس کردند که این یک رویداد مهم است و احساس غرور کردند. »

(۱) momentary: لحظه‌ای، موقتی (۲) moribund: رو به زوال، رو به مرگ (۳) meticulous: دقیق، وسواسی (۴) momentous: مهم

۹. گزینه « ۳ » متوسط

« تاثیر جانی ارتکاب یک قتل، گذراندن حکم زندان است، حتی اگر از عمل خود پشیمان شوید. »

(۱) implement: اجرا کردن، پیاده‌سازی کردن (۲) renew: تمدید کردن، از نو شروع کردن

(۳) regret: متأسف بودن، پشیمان بودن (۴) exceed: تجاوز کردن، تخطی کردن

۱۰. گزینه « ۲ » متوسط

« معمولاً وظیفه وکیل است که معنای قرارداد را تفسیر کرده و سپس آن تفسیر را با مشتری و در صورت لزوم با قاضی یا هیئت

منصفه به اشتراک بگذارد. »

(۱) justification: توجیه (۲) interpretation: تفسیر، برداشت (۳) transformation: تبدیل دگرگونی (۴) condemnation: اتهام، نکوهش